



The University of Tehran Press

## Criticism of Kant's foundations regarding the relationship between faith and religious practice: with an emphasis on the opinion of Shahid Motahari

Omid Arjomand<sup>1</sup> | Majid Tavakol<sup>2\*</sup>

1. Department of Islamic Education, Faculty of Medicine, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran. E-mail: [omidearjomand@gmail.com](mailto:omidearjomand@gmail.com)

2. Corresponding Author, Department of Islamic Education, Faculty of Medicine, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran. E-mail: [Mtavakol.313@gmail.com](mailto:Mtavakol.313@gmail.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received June 28, 2023  
Revised January 9, 2024  
Accepted January 16, 2024  
Published online 10 March 2024

**Keywords:**  
*Faith*  
*religious practice*  
*Criticism*  
*Motahari*  
*Kant*

### ABSTRACT

One of the issues that has always been the subject of controversy between Islamic and Western theologians and philosophers is the issue of the relationship between faith and action. In all religions, their followers are asked to adhere to religion in addition to faith in action. Meanwhile, in his works, Kant considers human reason capable of drawing a comprehensive plan for his happiness and believes in a moral ritual itself. Relying on the power of reason to recognize principles and generalities, Motahari believes that human reason is not capable of drawing such a comprehensive road map and has criticized Kant's views on this matter. This article tries to express the damage caused to Kant's foundations regarding faith and religious practice. Among the harms that can be considered from the perspective of Kant to this idea are: reducing religious concepts to rational perceptions, not paying attention to the difference between Actual good and good actor, humanizing divine laws, wandering, being caught in the contradiction of idea and action, neglecting The root and origin of religious and moral actions, lack of separation between purpose and means and lack of separation between types of relationships.

**Cite this article:** Arjomand, O. & Tavakol, M.,(2024). Criticism of Kant's foundations regarding the relationship between faith and religious practice: with an emphasis on the opinion of Shahid Motahari. *Philosophy of Religion*.20 (4),311-321 . DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2024.361288.1005974>



© Omid Arjomand, Majid Tavakol

**Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2024.361288.1005974>



انتشارات دانشگاه تهران

## نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

# نقد مبانی کانت در رابطه ایمان با عمل عبادی: با تأکید بر نظر مرتضی مطهری

امید ارجمند<sup>۱</sup> | مجید توکل<sup>۲\*</sup>

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران، رایانامه: [omidearjomand@gmail.com](mailto:omidearjomand@gmail.com)

۲. نویسنده مسئول، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران، رایانامه: [Mtavakol.313@gmail.com](mailto:Mtavakol.313@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

رابطه ایمان با عمل از مسائلی است که مورد بحث و اختلاف نظر میان فیلسوفان و متکلمان اسلامی و غربی بوده است. در همه ادیان از پیروان خواسته شده که علاوه بر ایمان در مرحله عمل نیز به دین پایبند باشند. در این میان کانت در آثار خویش عقل انسان را قادر به ترسیم برنامه‌ای جامع برای سعادت خود می‌داند و معتقد به خودآیینی اخلاقی است. مطهری با تکیه بر قدرت عقل در تشخیص اصول و کلیات معتقد است که عقل بشری توانایی ترسیم چنین نقشه راه جامعی را ندارد و به نقد دیدگاه‌های کانت در این باره پرداخته است. در این مقاله، با استفاده از روش‌های توصیفی و تطبیقی و بالاخص انتقادی، آسیب‌های وارده بر مبانی کانت در رابطه ایمان با عمل عبادی بررسی می‌شود. آسیب‌هایی که می‌توان از منظر مطهری به این ایده کانت وارد دانست عبارت‌اند از: تقلیل مفاهیم دینی به دریافت‌های عقلانی، عدم توجه به تفاوت بین حسن فعلی و فاعلی، بشری انگاشتن قوانین الهی، سرگردانی، گرفتاری در تناقض ایده و عمل، غفلت از ریشه و مبدأ افعال عبادی و اخلاقی، عدم تفکیک بین هدف و وسیله، عدم تفکیک بین انواع روابط.

#### کلیدواژه:

ایمان،

عمل عبادی،

نقد،

مطهری،

کانت.

**استناد:** ارجمند، امید و توکل، مجید (۱۴۰۲). نقد مبانی کانت در رابطه ایمان با عمل عبادی: با تأکید بر نظر مرتضی مطهری. *مجله فلسفه دین*، ۲۰(۴)، ۳۱۱-۳۲۱.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2024.361288.1005974>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© امید ارجمند؛ مجید توکل

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2024.361288.1005974>



## مقدمه

تعریف و چیستی ایمان و رابطه و نسبت آن با عمل همیشه مورد توجه متکلمان و فیلسوفان مسیحی و اسلامی بوده است. ایمان صرفاً یک بحث نظری نیست بلکه به صورت مستقیم در مرحله عمل نیز تأثیرگذار است؛ طوری که عده‌ای ایمان را همان عمل به اعضا و جوارح می‌دانند (امام‌الحرمین، بی‌تا: ۱۱۳). در تاریخ اسلام، ایمان جزء نخستین مباحث در اندیشه اسلامی است (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۱۵۸). بحث در مورد تعریف ایمان و عوامل تأثیرگذار در آن مسئله‌ای با سابقه است؛ طوری که مسئله اخذ عمل در تعریف ایمان و کافر تلقی کردن یا نکردن فاسق تأثیر بسزایی در موضع‌گیری گروه‌های مختلف کلامی داشته است (شهرستانی، ۱۳۳۵: ۳۷).

در کلام مسیحی نیز ایمان مباحثی پر دامنه داشته است و گروه‌های مختلفی بر سر مفهوم آن دچار اختلاف شده‌اند (فعالی، ۱۳۷۸: ۳۶). در این میان مسیحیت نیز تأکید دارد که فقط مؤمنان اهل نجات و رستگاری هستند. مسئله ایمان‌گرایی یا فیدئیسیم یکی از مباحث مهم در فلسفه دین و کلام جدید است؛ طوری که ایمان‌گرایی را در مقابل عقل‌گرایی قرار داده است. در ایمان‌گرایی حقایق دینی بر ایمان بنا نهاده شده و عقل راهی برای ورود به آن ندارد؛ طوری که آگوستین می‌گفت من ایمان می‌آورم تا بفهمم (عباسی، ۱۳۸۲: ۹۴).

نقطه مقابل این دیدگاه عقل‌گرایی حداکثری است. این گروه معتقد به هماهنگی متعلقات ایمان با عقل هستند؛ بدین بیان که اعتقادات و امور دینی باید طوری باشد که همه عقلا از لحاظ عقلی قانع شوند. در نگاه این گروه عقل قادر به فهم و تبیین و اثبات مفاهیم دینی است (پیترسون و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۲).

در این میان عده‌ای پا را فراتر گذاشتند و مدعی شدند که عقل خود به تنهایی می‌تواند احکام مولوی صادر کند و برای امور عبادی خویش نیز هیچ نیازی به دستور دین ندارد. کانت یکی از طرفداران این نظریه است که معتقد به خودآیینی اخلاقی است. او، با نفی برخی از مناسک و اعمال دینی، عقل را قادر به تدوین برنامه‌ای جامع بر اساس دستور اخلاقی خویش می‌داند (کانت، ۱۳۸۱: ۳۴).

در دیدگاه پذیرفته‌شده از منظر این پژوهش عقل هرگز به تنهایی توانایی انشای احکام مولوی را ندارد بلکه میان عقل و شرع رابطه دوطرفه و تلازم برقرار است. یعنی اگر عقل به یک مصلحت یا مفسده قطعی و یقینی پی ببرد و اصطلاحاً به ملاک و مناط واقعی به صورت قطعی و یقینی و بدون حدس و گمان دست یابد، می‌توان این حکم عقل را تحت عنوان «تنقیح مناط» پذیرفت. به عکس، زمانی که عقل به مناط احکام دست پیدا نمی‌کند، اما متوجه می‌شود که شارع در آنجا حکمی دارد، قبول می‌کند که در آنجا مصلحتی وجود داشته است؛ والا شارع به آن حکم نمی‌کرد. از این رو می‌توان گفت که عقل به همان نحوی که از کشف مصالح واقعی حکم شرعی را کشف می‌کند می‌تواند از کشف احکام شرعی به وجود مصالح واقعی پی ببرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۳).

در واقع در این نگاه «عقل چون ظاهر الفاظ کتاب و سنت کشف و پرده‌بردار از احکام الهی است و همچنان که ظاهر قرآن و روایت فاقد مولویت هستند و عقوبت و پاداش ندارند بلکه بیانگر پاداش خدا و کیفر الهی‌اند عقل نیز نسبت به قوانین فردی و جمعی فاقد چنین شأنی است. عقل احکام ارشادی دارد و حکم ارشادی تابع مرشد الیه است؛ اگر مرشد الیه امری واجب باشد حکم ارشادی عقل به آن به معنای این است که اگر انجامش دادی مصالح ملاکات و منافع حتمی آن نصیب تو می‌شود و اگر اعتنا نکردی فواید و مصالح ضروری‌اش از تو فوت می‌شود و اگر مرشد الیه امر حرامی باشد حکم ارشادی عقل به معنای آن است که ارتکاب حرام پیامدهای آن حرام را متوجه مرتکب می‌کند و مفسده‌ها و مضار نهفته در آن فعل دامن‌گیر او می‌شود.

در میان آثار به‌جای‌مانده در زمینه ایمان و عمل، تکیه بحث بر ایمان و عمل از منظر آیات و روایات بوده است. در میان پژوهش‌های انجام‌شده از منظر کانت نیز بیشتر به دستور اخلاقی کانت و مباحث فلسفه اخلاق او پرداخته شده و به رابطه ایمان با عمل از منظر کانت اشاره‌ای نشده است. در میان پژوهش‌های انجام‌گرفته، در زمینه بررسی نظر مطهری و کانت، هیچ‌یک به مقایسه انتقادی اعمال عبادی نپرداخته‌اند.

در این تحقیق بر اساس نظرات و آرای مطهری به تحلیل و نقد و آسیب‌شناسی رابطه ایمان با عمل عبادی از منظر کانت می‌پردازیم. سؤال اصلی این تحقیق این است که چه نقدها و آسیب‌هایی بر مبانی رابطه ایمان با عمل عبادی از دیدگاه کانت

وارد است؟ آیا رابطه سازگاری میان ایمان و عمل عبادی وجود دارد؟ آیا کانت می‌تواند از ساحت ایمان وارد ساحت عمل عبادی شود؟ چه معضلات و دشواری‌هایی در این زمینه برای کانت وجود دارد؟

یکی از فواید و اهمیت‌های این پژوهش بررسی جایگاه عمل عبادی نسبت به ایمان است. اهمیت بحث از این جهت است که آیا عمل عبادی جزئی از ایمان است؟ در این پژوهش ضمن پاسخ به این قسم سؤالات به صورت نقادانه مبانی کانت در باب رابطه ایمان و عمل اخلاقی را از منظر مطهری آسیب‌شناسی خواهیم کرد. این مقاله در حیطه الهیات عقلی و نقلی و فلسفه اخلاق است و می‌توان موضوع آن را میان‌رشته‌ای محسوب کرد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای است و در تحلیل اطلاعات از روش‌های توصیفی و تطبیقی و انتقادی استفاده شده است. اما محور روش انتقادی است.

## ۱. چارچوب مفهومی

### ۱.۱. نقد مبانی کانت

نقد به معنای سنجش عیار سخن است. کانت به عنوان فیلسوفی تأثیرگذار میان اندیشمندان نظرات مختلفی در باب عقل نظری، عقل عملی، ایمان، و دیگر مسائل دارد. پذیرش یا عدم پذیرش این مبانی منجر به قبول یا عدم قبول لوازم آن نیز خواهد شد. در این مقاله مبانی کانت در مورد رابطه ایمان و عمل عبادی مورد نقد و سنجش قرار می‌گیرد.

لازم است مغالطه‌ها و آسیب‌های مربوط به ایمان و عمل عبادی به‌دقت مطالعه شود تا توده‌های مردم و جوانان و حتی دانشجویان فلسفه و دین‌پژوهان گرفتار مباحث دین‌پژوهان منحرف نشوند. این بررسی‌ها و تحقیق‌های دقیق به ما کمک می‌کند با احتیاط در مواجهه با دستاوردهای دین‌پژوهان غربی عمل کنیم و عجولانه دستاوردهای مسیحیت را به اسلام تسری ندهیم (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۳۵).

### ۱.۲. ایمان

کانت در نقد عقل محض عبارتی دارد که به‌شدت در فهم ایمان از منظر وی به ما کمک می‌کند. کانت می‌گوید من با کنار زدن عقل (عقل نظری) تلاش کرده‌ام تا جا را برای ایمان باز کنم (Kant, 1965: 29). در واقع کانت تلاش می‌کند ایمان را از رد و اثبات‌های عقلی مصون بدارد و عقل نظری و شناخت را مقدمه و جزء ایمان به حساب نیاورد. کانت در تمهیدات به این مسئله اشاره می‌کند که با انتقال ایمان به حوزه عقل عملی سلاح ملحدان در رد ایمان را از آن‌ها می‌گیرد و الهیات و کلام را از مباحث نقدی محفوظ می‌کند (کانت، ۱۳۷۰: ۲۴۱).

### ۱.۳. عمل عبادی

کانت به عمل عبادی به معنای مناسک و شعائر رسمی دینی بی‌توجه است و شعائر و مفاهیمی مانند تجسد، فدا شدن عیسی مسیح، گناه ازلی، و از این قبیل موارد را تفسیر اخلاقی و عقلانی می‌کند. در زندگی‌نامه کانت نیز به این نگرش توجه و در توصیف وی گفته شده است به‌رغم اینکه به‌شدت متدین بود از هر گونه مراسم و آداب ظاهری دینی پرهیز می‌کرد (کورنر، ۱۳۶۷: ۲۳ - ۴۳). در واقع تفسیر کانت از عمل عبادی یک نوع قانون اخلاقی بود.

## ۲. رابطه ایمان و عمل عبادی

### ۱.۲. رابطه بین ایمان و عمل عبادی از منظر کانت

کانت مابعدالطبیعه را ناتوان از پاسخ دادن به مباحث بنیادین - مانند وجود خدا، جاودانگی نفس، اراده آزاد - می‌داند (هارتساک، ۱۳۹۴: ۱۰) و به نقد عقل نظری می‌پردازد. کانت بحث از این مسائل را به حوزه عقل عملی منتقل می‌کند و سعی می‌کند در یک سازواره منظم این مقولات را با عقل عملی و اخلاق تبیین کند (کانت، ۱۳۷۰: ۲۲۲ - ۲۲۳).

وی، با طرح و تعریف عقل عملی و تمایز نهادن میان عقل عملی از عقل نظری، فلسفه اخلاق جدیدی را پی‌ریزی می‌کند. او معتقد است که تنها چیزی که مطلقاً و بدون هیچ قیدی خیر است «اراده نیک» است. اراده نیک نیز بر اساس عمل به «تکلیف»

به دست می‌آید و باید میان عمل به تکلیف و عمل مطابق با تکلیف تمایز قائل شد. مثلاً شاید شخصی نه برای تکلیف بلکه برای کسب مشتری گران‌فروشی نکند یا خوش‌اخلاق باشد. کانت، در توضیح، احترام به قانون را مطرح و بیان می‌کند که عمل کردن به خاطر احساس احترام به قانون همان تکلیف است. قانون و قوانین اخلاقی کلی‌اند و اراده‌ای که به این قوانین تعلق می‌گیرد زمانی نیک است که بر اساس «امر مطلق» باشد و در تعریف امر مطلق گفته است: «فقط یک امر مطلق وجود دارد و آن این است که فقط بر طبق قاعده‌ای عمل کن که به وسیله آن بتوانی اراده کنی که آن قاعده یک قانون کلی و عمومی بشود». کانت معتقد است برای رسیدن به امر مطلق باید یک غایت مطلق وجود داشته باشد که اراده برای رسیدن به آن غایت مطلق عمل کند و آن غایت مطلق عبارت است از اینکه «طوری رفتار کن که انسانیت، خواه در شخص خودت یا در دیگران، غایت رفتار باشد نه وسیله» (kant, 1972: 59-66؛ کاپلستون، ۱۳۹۳: ۳۲۲-۳۳۱).

بر این اساس در فلسفه کانت موجود عاقل از «امر کلی و نامشروط» و نیز از «امر به غایت بالذات شمردن انسان» تبعیت می‌کند و این امر حاکی از آن است که انسان خود و عقل خود را منشأ و خاستگاه و واضع قانون و اصل اخلاقی می‌داند. از این رو کانت انسان را در اخلاق و مناسک «خودآیین» می‌داند و معتقد است که انسان نمی‌تواند «دگرآیین» باشد. او باید از آنچه خودش وضع کرده تبعیت کند و آنچه دیگران تدوین کرده‌اند را صرفاً به شرط انطباقشان با مصوبات عقلی خودش بپذیرد (کانت، ۱۳۸۱: ۲۶). از نظر او کلیسا به جای اینکه مروج گوهر عقلانی و اخلاقی دین باشد و فضیلت را رواج دهد بر عبادت ظاهری و آداب و مناسک تاریخی تأکید دارد. او عمل عبادی بر مبنای ایمان را برده‌وار می‌خواند که محصول ترس از خدایی موهوم است. کانت معتقد است تأکید کلیسا بر دین تعلیمی و آموزه‌هایی است که خود به مردم تعلیم می‌دهد و اهمیتی به دین طبیعی که مبتنی بر اخلاق و عقل و در واقع کلیسای باطنی است ندارد. از نظر او انسان در این مسیر به جای اینکه به باشنده کامل آسمانی ایمان داشته باشد، به ریاضت و تشریفات و روزه‌داری می‌پردازد.

بنابراین ایمان به خدا به این معناست که هر آنچه در توان داریم انجام دهیم و امیدوار باشیم که خداوند هر آنچه را که در توان ما نیست اصلاح کند، بدون اینکه تضمینی برای این امید وجود داشته باشد (کانت، ۱۳۸۱: ۳۱۳). از نگاه کانت اخلاق نیز بر دین مقدم است و دین در ابتدا باید به مراعات قانون اخلاقی دعوت کند تا ایمان به خداوند را به عنوان محصول آن درو کند. دین مورد نظر او به معجزه نیز نیاز ندارد. چون ملاحظه و مراعات قانون اخلاقی برای تثبیت و تحکیم آن کافی است (کانت، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

## ۲.۲. رابطه بین ایمان و عمل عبادی از منظر مطهری

گفته شد که از منظر کانت در افعال عبادی باید به مدد عقل تکالیف و وظایف خود را مشخص کنیم و خودآیین باشیم، به جای اینکه دگرآیین باشیم. از نگاه مطهری کانت دچار تندروری در برخورد عقلانی با تعالیم دینی شده است. دیدگاه مطهری از روش برخورد عقلانی با تعالیم دینی با دو بیان قابل تصور است. نخست منظور ایشان از برخورد عقلانی با تعالیم دینی به معنای درک کلی اصول و تعالیم آن است. مطهری با نقد مبانی اشعری‌گری و اهل حدیث و حنابله که قائل به عدم پرسش از مبانی و مقاصد و معارف و احکام الهی بودند و همچنین در دستورهای عملی نیز قائل به این بودند که عقل توانایی دسترسی به مقاصد شارع را ندارد و باید در احکام در همین شکل‌ها متوقف شود بیان می‌کند که آن‌ها با این روش برخورد عقلانی با دین شکل را از محتوا و ظاهر را از باطن و وسیله را از هدف جدا می‌کنند و فقط ظاهر و شکل را برجسته می‌سازند. مطهری تأکید می‌کند که همواره راه برای جست‌وجوی اصول و کلیات آموزه‌های دینی هموار است. او، به طور نمونه، به وظیفه مسلمانان در به‌کارگیری اصول و کلیات آموزه‌های قرآن در هر عصر و زمانی اشاره می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶: ۳۳۲ - ۳۳۶ و ۳۸۹). نکته دومی که مطهری به آن در برخورد عقلانی اشاره می‌کند این است که تعالیم اسلامی هیچ‌گاه با مفاهیم و موازین عقلی در تضاد نیست و در هر آزمایش عقلانی سربلند است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۷: ۳۲۵). ایشان در ادامه بیان می‌کند که جهان‌بینی‌ای که مبنای ایمان قرار می‌گیرد باید با اصول و مبانی عقلی و علمی سازگار باشد، وگرنه محکوم به شکست است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۱). نکته نهایی ایشان در این مسئله این است که از منظر اسلام کسی که تعقل نمی‌کند هرگز رستگار نمی‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۴۴).

در مجموع مطهری با این نظر که دستورهای اخلاقی به عنوان دستورهای عقلانی کلیت‌پذیر باعث خودآیینی کانتی می‌شوند مخالف است. مطهری، با تأکید بر اینکه احکام بدیهی و صریح عقل عملی و تکیه بر آن برای تبیین اوامر و نواهی انسان را بی‌نیاز از وحی و هدایت از طرف خداوند نمی‌کند، بیان می‌کند که عقل‌گرایی مورد نظر اسلام همواره زمینه‌ساز دین و ایمان به خداوند و پیروی از دستورهای او می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۵).

### ۳. بیان آسیب‌ها

#### ۳.۱. آسیب تقلیل مفاهیم دینی به دریافت‌های عقلانی

مطهری برای بیان این آسیب بحث را از خودکفایی بشر آغاز و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا بشر می‌تواند طرحی کلی برای همه مسائل زندگی خویش، که منطبق بر مصالح باشد، تدوین کند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۴)؟ مطهری پاسخ می‌دهد برخی فیلسوفان به این خودکفایی معتقد بوده‌اند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۵). یکی از این فیلسوفان کانت است که مورد نظر مطهری است. مطهری این خودکفایی را مردود می‌شمارد و تبیین می‌کند که در جهان دو فیلسوف یافت نمی‌شود که در پیدا کردن این راه سعادت وحدت نظر داشته باشند. در بیان او مفهوم سعادت و شقاوت نیز مفهومی ناشناخته است. از یک طرف انسانی که خودش هنوز ناشناخته مانده چگونه می‌تواند طرحی جامع‌پی‌ریزی کند و از طرف دیگر زندگی اجتماعی انسان با هزاران مشکل جدید و به هم پیوسته بودن این اجتماع باعث می‌شود در تعیین راه سعادت و در تعیین ملاک‌های خیر و شر نتواند راه خود را از بقیه جدا کند و اگر مسئله حیات ابدی را نیز به آن بیفزاییم به شدت کار مشکل می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۵). بنابراین از نظر مطهری دریافت‌های عقلانی بسیار محدود است. اما، آموزه‌های دینی نگاهی همه‌جانبه دارد، هم مسائل فردی را شامل می‌شود هم مسائل اجتماعی را، هم دنیا را در نظر دارد هم آخرت را، و بیانگر احاطه کامل به استعدادها و نیازهای فرد و جامعه است.

#### ۳.۲. آسیب عدم توجه به تفاوت بین حسن فعلی و فاعلی

از نظر مطهری این‌طور نیست که هر چه باشد فقط فعل و عمل است و فقط هموست که ذوالمقدمه حساب می‌شود و مباحث نظری فقط به عنوان مقدمه تأثیر دارند؛ بلکه از نظر ایشان اصالت فکر و نیت از اصالت عمل کمتر نیست. از منظر ایشان انسان با هر عمل اختیاری از قوه به سوی فعل حرکت می‌کند و اثری متناسب با مقصود خود دریافت می‌کند و این اثر جزئی از شخصیت او می‌شود و انسان را به عالمی متناسب با عمل خود از عوالم وجود می‌برد. حسن و قبح فعلی به اثر خارجی و حسن و قبح فاعلی به کیفیت صدور آن بستگی دارد. از نظر ایشان بعد داخلی و روانی هم جزء کیفیت عمل محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۹۷).

پویمن نیز تقریباً همین اشکال را به کانت وارد کرده است. کانت معتقد بود که اراده نیک تنها خیر بالذات است. در حالی که اراده نیک (حسن فاعلی) ممکن است نتایج بدی را در پی داشته باشد (یعنی لزوماً حسن فاعلی حسن فعلی را در پی ندارد)؛ بلکه اراده نیک شرط لازم عمل خوب اخلاقی است، اما شرط کافی نیست (Pojman, 1999: 138).

#### ۳.۳. آسیب سرگردانی

کانت معیار رسیدن به قاعده عملی را دو چیز می‌داند: یکی اینکه هر فاعلی بتواند به آن عمل کند، یعنی امکان انجام دادن آن در طبیعت وجود داشته باشد، دیگر اینکه فاعل بتواند آن را به عنوان یک قانون کلی که همه بدان عمل کنند در نظر بگیرد، یعنی از لحاظ ذهنی برای فاعل قابل پذیرش باشد (کورنر، ۱۳۶۷: ۲۶۸ - ۲۸۸). اشکال وارد بر کانت این است که در شرط دوم اتلاف نظر و سرگردانی بین افراد به وجود می‌آید (اترک، ۱۳۸۹: ۲۰).

مطهری با بیان این مطلب که انسان همواره در زندگی خود با مسائل اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌شود و ناچار است در برابر آن‌ها عکس‌العمل خاصی نشان دهد تأکید می‌کند که اگر فرد به مکتب خاصی ایمان و التزام نداشته باشد همواره در تردید و دودلی به سر می‌برد و به این سو و آن سو کشیده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۹). چنین انسانی نمی‌تواند زندگی سالمی داشته

باشد. چون همواره یا دچار تردید است یا در خودخواهی و ناهماهنگی به سر می‌برد. اما از نظر ایشان تنها چیزی که انسان را نجات می‌بخشد و از سرگردانی و خودخواهی نجات می‌دهد ایمان دینی و مذهبی است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۰).

### ۳.۴. پاسخ به یک شبهه

شاید سؤالی در این میان پیش آمده باشد که چگونه مطهری از طرفی عقل را معیار و میزان و محک ارزیابی اندیشه‌ها قرار می‌دهد و از طرفی آن را از تدوین یک قانون جامع و برنامه کلی برای سعادت دنیا و آخرت عاجز می‌داند. آیا مطهری یک عقل‌گرا به شمار می‌آید؟

پاسخ این است که مطهری از یک طرف عقل را رسول باطنی می‌داند و از طرف دیگر بیان می‌کند که عقل نمی‌تواند به همه خیرهای آسمانی دسترسی داشته باشد. بنابراین بشر نیازمند وحی است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۴۴).

مطهری در مباحث عقل نظری به این مطلب معتقد است که وحی بشر را مجبور به تبعیت از دستورهای نمی‌کند؛ بلکه با طرح درس‌هایی بی‌نظیر انسان را تحریک به استفاده از منبع لایزال وحی می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۰۴۰). در مباحث عقل عملی نیز ایشان تأکید می‌کند که اسلام احکام صریح عقل را محترم می‌شمارد و آن را پشتوانه تعالیم خود می‌داند. مثلاً حسن عدالت و قبح ظلم از احکام ضروری عقل عملی است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۹۵۵) که هم ریشه‌ای فطری دارد و هم اسلام به آن دستور داده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۷۹)؛ طوری که این حسن و قبح‌ها ملاک‌های احکام در فقه اسلامی قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۷).

بنابراین پاسخ‌گویی وحی به نیازهای آدمی مستلزم تعطیل عقل نیست و این روش و شیوه وحیانی که هدایت هستی را به عهده گرفته است به مدد منطق است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۵). توجه به این نکته لازم است که عقلی شمردن دین به معنای فروکاستن تعالیم دینی به دریافت‌های عقلانی نخواهد بود؛ بلکه به این معناست که می‌توان اصول و کلیات دین را توسط عقل فهم کرد و دلایل آن را بررسی کرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۲: ۳۸۵). بر مبنای این توضیح عقل را هم معیار و غربال می‌نامند هم مستقل شمردن عقل را امری ناپسند می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۶).

### ۳.۵. اخلاق کانتی حالت وارونه اخلاق دینی

کانت سعی می‌کند، فارغ از دین، نظریه اخلاقی و عمل عبادی انسان را تبیین کند. اما در واقع مباحث او مبتنی بر دین و اصول الهیاتی است. هرچند کانت در ابتدای مباحث خود مفهوم تکلیف را مطرح می‌کند و آن را مستقل از دین و هر چیزی می‌داند، در پایان بیان می‌کند که تکلیف از خدا صادر شده است. به بیان دیگر می‌توان گفت اخلاق مباحث کانت دگرگون شده اخلاق دینی است. یعنی اخلاق مسیحی با ایمان به خدا، که متکی بر وحی است، شروع می‌شود و در نهایت به تکلیف که اراده خداوند است منتهی می‌شود. کانت این رویکرد را وارونه کرده است و از تکلیف شروع می‌کند و در نهایت به خداوند می‌رسد و همه مشکلات و نقدهای وارد بر کانت به خاطر این وارونگی است (Acton, 1974: 362).

### ۳.۶. دوگانگی کانت در نسبت با دین و مناسک دینی

کانت در نقد دین و مناسک دینی رویکرد دوگانه‌ای دارد. وی در کتاب *نقد عقل محض و تمهیدات* تحت تأثیر هیوم میان الهیات وحیانی و الهیات طبیعی تمایز قائل می‌شود و بر این باور است که الهیات وحیانی مبنای درستی برای دین نیست و الهیات طبیعی ما را بهتر به این هدف می‌رساند. اما کانت در آثار پایان عمر خود در یک تقسیم‌بندی گوهر دین را با دو بیان معرفی می‌کند؛ یکی دین وحیانی که با کثرت و مناسک همراه است و کلیسا بر آن اهتمام دارد و دیگری دین اخلاقی که دارای وحدت و مبتنی بر عقل است. بنابراین نمی‌توان کانت را کاملاً مخالف دین دانست. او هم مخالف جزم‌گرایی است هم مخالف شکاکیت و الحاد (Engelhard, 2011: 205). این دوگانگی و دست نیافتن به یک نظام جامع و منسجم می‌تواند یک نقیصه در اندیشه کانت محسوب شود.

### ۳.۷. عدم ارتباط مناسک دینی با خودمختاری انسان

بر اساس مبانی خود کانت لازم نیست مناسک دینی انکار و کنار گذاشته شوند. کانت معتقد است که انسان باید در طلب برترین خیر باشد و تمایلات مادی مانع رسیدن انسان به این قداست و تعالی‌اند. از این رو انسان در یک سیر بی‌نهایت به سمت این قداست حرکت می‌کند. با توجه به اینکه کانت تمایلات حسی را مانع رسیدن به این قداست می‌داند باید راهکاری را برای غلبه به آن پیشنهاد می‌کرد. زیرا صرف اینکه عقل عملی احکامی را صادر کند و تمایلات نیز مانع تحقق آن‌ها شوند برای اخلاقی شدن کفایت نمی‌کند. اما دین در این رابطه مناسک مستمر دینی را پیشنهاد کرده است و با تمرکز و تمرین این مناسک انسان امکان غلبه بر تمایلات نفسانی و تحقق احکام عملی را پیدا می‌کند. همچنین مناسک دینی و مذهبی منافاتی با خودمختاری انسان ندارد. زیرا التزام به آن‌ها برخاسته از عقل خود انسان است (محمدرضایی، ۱۳۷۹: ۲۷۶ - ۲۷۷).

### ۳.۸. اوامر خدا و مناسک دینی گزارف نیستند

کانت تصور می‌کند که خداوند موجودی بیگانه از انسان است که با قدرت مطلق خود انسان‌ها را مجبور می‌کند به امید ثواب و ترس از عقاب اوامر گزارف وی را تمکین کنند و این فرامین و عمل به آن‌ها ارزش اخلاقی ندارد. اما بنا بر نظر خود کانت خداوند برترین خیر است که دارای فضیلت و سعادت به صورت اکمل است. اراده او مقدس است و موجودی عقلانی و نامتناهی و دارای علم و قدرت نامتناهی است. با این توضیحات اگر اوامر عقلی ما انسان‌ها که موجوداتی محدود از لحاظ عقلی و علمی و قدرت هستیم واجب الاجرا است، به قیاس اولویت، فرامین خداوند نیز واجب الاتباع است و منافاتی با خودمختاری انسان ندارد. همچنین، انگیزه بسیاری از کسانی که خداوند را اطاعت می‌کنند امید و ترس نیست، بلکه چون این اوامر مستند به موجود عاقل نامتناهی است به آن عمل می‌کنند و ثانیاً امید و ترس زمانی منافات با اخلاق دارد که برخاسته از عقلانیت نباشد؛ در صورتی که در اینجا مفید بودن آن با عقل خود انسان فهم می‌شود و منافاتی با خودمختاری انسان ندارد (محمدرضایی، ۱۳۷۹: ۲۷۸ - ۲۷۹).

### ۳.۹. تناقض نسبت به فرمان‌های الهی

کانت در برخی مواقع خداوند را قانون‌گذار عالم می‌داند و بر این باور است که اوامر الهی به خاطر عشق اطاعت می‌شود و بیان می‌کند که در اینجا اگر فرمان الهی را مخالف میل و نظر خود یافتیم باید این را به حساب محدودیت فاهمه بدانیم نه ماهیت فرمان خداوند. از طرف دیگر کانت قوانین اخلاقی را اموری وجدانی می‌داند که حتی خداوند نیز تابع آن‌هاست و خداوند نباید از قبل نیک و بد را مشخص و آن را به عنوان وظیفه معرفی کند (مهرنیا، ۱۳۹۲: ۱۰۵). این تناقض و دوگانه‌گویی نیز یکی دیگر از مشکلات و انتقاداتی است که به کانت وارد است.

### نتیجه

مبنای نظریه خودآیینی اخلاقی کانت بر مستقل بودن عقل انسان در برنامه‌ریزی برای سعادت جاودانی و بی‌نیازی از تعالیم دینی است. درک عقلی تعالیم دینی از منظر مطهری شاخصه‌هایی دارد که بدون رعایت آن‌ها این درک درکی صحیح نخواهد بود. سازگاری تعالیم دینی با موازین عقلی، توجه به لغزشگاه‌های فکری، ضدیت با آنچه ضد عقل است، و تکیه بر بدیهیات عقلی از جمله این شاخصه‌هاست. در مورد خودآیینی اخلاقی کانت، مطهری می‌پذیرد که دستورهای اخلاقی به‌مثابه دستورهای عقلانی کلیت‌پذیر و غیر مشروط و نافی مناسبات سلطه در میان انسان‌ها باید باشد. اما این امر مستلزم خودآیینی کانتی نمی‌شود. به بیان دیگر مطهری، ضمن باور به بدیهیات عقل عملی و کاربست آن‌ها، جهت توجیه و تبیین اوامر و نواهی دیگر، اخلاق انسانی را بی‌نیاز از هدایت و وحی الهی نمی‌داند و از «این» به «آن» پل نمی‌زند. عقل‌گرایی وی زمینه را برای دین هموار می‌سازد.

همچنین مطهری عقلی شمردن دین را فروگاهش تعالیم دینی به دریافت‌های عقلانی نمی‌داند و آنچه مشکل‌آفرین است چنین فروگاشی است. در واقع مطهری بر این باور است که به کمک احکام صریح عقل (نظری و عملی) می‌توان دین را حداقل در کلیات و اصول فهم و تبیین کرد و در باب استدلال‌های آن بحث و مجادله کرد. بر این اساس مطهری از طرفی عقل را معیار



و محک و غربال می‌داند و از طرفی مخالف با خودکفا و خودبسنده شمردن آن است. بنا بر خودآیینی کانت، انسان با قوه تفکر خود تکلیف خود را تشخیص می‌دهد و نیازمند آداب و رسوم کلیسا و عبادات و ... نیست. از این رو چون عقل به تنهایی می‌تواند مسیر خویش را تشخیص دهد نیازی به بعثت انبیا و وحی نیست. همچنین لازم می‌آید که دستوره‌های عبادی با تغییر زمان‌ها تغییر یابند. مطهری معتقد است جدایی و تباینی میان دستور عقل و وجدان و دستور وحی وجود ندارد. اساساً ریشه و سرچشمه همه این دستورها از حس خداشناسی انسان نشئت می‌گیرد. بنابراین مطهری معتقد است کانت مفاهیم دینی را به دریافته‌های عقلانی تقلیل داده است و توجه کافی به تمایز میان حسن فعلی و فاعلی نداشته است. شوپنهاور معتقد است کانت همان اخلاق و اعمال دینی را وارونه کرده است. دیگر اندیشمندان نیز نقدهایی از قبیل سرگردانی، دوگانگی کانت در نسبت با دین و مناسک دینی، عدم ارتباط مناسک دینی با خودمختاری انسان، اوامر خدا و مناسک دینی گزارف نیستند، و تناقض نسبت به فرمان‌های الهی را مطرح کرده‌اند.

## منابع

- ابن تیمیه (۱۴۱۸). *الایمان*. محقق: محمد ناصرالدین الألبانی. بیروت: مؤسسه الرساله.
- اترک، حسین (۱۳۸۹). نگاهی انتقادی به اخلاق کانت. *جستارهایی در فلسفه و کلام*، ش ۸۵، ۹ - ۳۶.
- امام الحرمین، عبدالملک بن عبدالله (بی تا). *الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد*. مصر.
- پیترسون، مایکل و همکاران (۱۳۸۷). *عقل و اعتقاد دینی*. مترجمک احمد نراقی و ابراهیم سلطانی نسب. تهران: طرح نو.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. محقق و تنظیم کننده: احمد واعظی. قم: اسراء.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). *آسیب شناسی دین پژوهی معاصر*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۳۵). *الملل و النحل*. مترجم: علی بن محمد ترکه اصفهانی. مصحح: محمدرضا جلالی نائینی. بی جا: بی نا.
- عباسی، ولی الله (۱۳۸۲). *فیدیسم*. معرفت، ش ۶۷، ۹۴ - ۱۰۲.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۱). *آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات*. ویراست ۳. تهران: بدر.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۷۸). *ایمان دینی در اسلام و مسیحیت*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۷۰). *تمهیدات* (مقدمه‌ای بر هر ما بعد الطبیعه که به عنوان یک علم عرضه شود). مترجم: غلام‌علی حداد عادل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *درس‌های فلسفه اخلاقی فلسفه*. مترجم: منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *دین در محدوده عقل تنها*. مترجم: منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.
- کاپلستون، چارلز (۱۳۹۳). *تاریخ فلسفه*. مترجم: اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ج ۶
- کورنر، اشتفان (۱۳۶۷). *فلسفه کانت*. مترجم: عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی.
- محمدرضایی، محمد (۱۳۷۹). *تبیین و نقد فلسفه اخلاق کانت*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. تهران: صدرا. ج ۱ - ۲۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *یادداشت‌های شهید مطهری*. تهران: صدرا. ج ۱ - ۱۲.
- مهرنیا، حسن (۱۳۹۲). *تبیین، بررسی، و نقد اندیشه دینی کانت*. نقد و نظر، س ۱۸، (ش ۳)، ۸۸ - ۱۰۸.
- هارتناک، یوستوس (۱۳۹۴). *نظریه معرفت در فلسفه کانت*. مترجم: غلام‌علی حداد عادل. تهران: هرمس.
- Abbasi, W.A. (2003). Fideism. *Journal of Marafet*, 67, 94-102. (in Persian)
- Acton, H.B (1974). *Kants Moral Philosophy*, in: *New Studies in Ethics*. Macmillan publisher.
- Al-Juwayni (1950). *Al-Irshad*. Egypt: maktabat althaqafat aldiyniati Publishing. (in Arabic)
- Atrak, H. (2011). A Critical Look at Kant's Ethics. *Journal of Essay in Philosophy and Kalam*, 85(2), 9-36. (in Persian)
- Capleston, Ch. (2013). *History of Philosophy*. translated by Ismail Saadat and Manouchehr Bozorgmehr. Tehran: Sherekat Entesharat Elmi va Farhangi Publishing. Vol. 6. (in Persian)
- Dudleg, W. & Engelhard, K. (2011). *Immanul Kant*. Key Concept, Acu-men publisher.
- Faali, M.T. (1999). *Religious Faith in Islam and Christianity*. Tehran: Canon Andisheh Javan Publishing. (in Persian)
- Farjad, M.H. (1992). *Social Pathology and sociology of deviance*. 3<sup>rd</sup> edition. Tehran: Badr Publishing. (in Persian)
- Hartnack, J. (2014). *Kant's theory of knowledge*. translated by GholamAli Haddad Adel. Tehran: Hermes Publishing. (in Persian)
- Ibn-Taymiyya (1418). *Kitab al Iman*. Verified by Muhammad Nasir al-Din al-Albani. Beirut: moasesa al-Resale Publishing. (in Arabic)
- Javadi Amoli, A. (2009). *The Role of Intellect in the Geometry of Religious Knowledge*. research and editing by Ahmad Vaezi. Qom: Esra Publishing. (in Persian)
- Kant, I. (1965). *Critique of Pure Reason*. translated by Norman Kemp Smith. New York.
- (1972). *Groundwork of Metaphisic*. tr: paton, H.J. pp. 53-123, In: *The Moral Law*, Hutchinson University Library.

- . (1991). *Prolegomena to Any Future Metaphysics*. translated by GholamAli Haddad Adel. Tehran: markaz nashr danshgahi Publishing. (in Persian)
- . (2002). *Kant's Lectures on Ethics*. translated by Manouchehr Sanei DarehBedi. Tehran: Naqsh and Negar Publishing. (in Persian)
- . (2002). *Religion within the Limits of Reason Alone*. translated by Manouchehr Sanei DarehBedi. Tehran: Naqsh and Negar Publishing. (in Persian)
- Khosropanah, A.H. (2008). *Research Religious Cintemporary of Phathology*. Tehran: Farang and Andishe Islami Publishing. (in Persian)
- Koerner, A. (1988). *Kant's philosophy*. translated by Ezzatullah Fouladvand. Tehran: Khwarazmi Publishing. (in Persian)
- Mehrnia, H. (2013). An Examination of Kant's Religious Thought. *Journal of Naqd va Naza Philosophy and Kalam*, 18(3), 88-108. (in Persian)
- Mohammad-Rezaei, M. (2000). *Explanation and critique of Kant's moral philosophy*. Qom: Bostan Kitab Publishing. (in Persian)
- Motahari, M. (1993). *Collection of works of master Shahid Motahari*. Tehran: Sadra Publishing. Vol. 1-29. (in Persian)
- . (1999). *Notes of master Shahid Motahari*. Tehran: Sadra Publishing. Vol. 1-12. (in Persian)
- Peterson, M. et al. (2008). *Reason and Religious Belief*. Translated by Ahmed Naraqi & Ibrahim Soltani Nasab. Tehran: Tarhe nu Publishing. (in Persian)
- Pojman, L. P. (1999). *Ethics, Discovering Right and Wrong*. Wadsworth Publishing Company.
- Shahrasthani, M. A.K. (1917). *Al-Mill and Al-Nahl*. translated by Ali bin Muhammad Turke Isfahani. the correction of M.R. [n d] Jalali Naini. (in Persian)